

| |
|--------------------------------------|
| <div>وحد حاجی‌پور</div> |
| |

افسانه خصوصی سازی در نفت

سخنان هفته گذشته وزیر اقتصاد مبنی بر مقاومت دستگاه‌های دولتی در واگذاری شرکت‌های دولتی برده از یک مشکل همیشگی در ساختار اقتصاد ایرانی بر داشت، گرچه علی‌طیبنیا آدرس دقیقی از وزار تخانه مشخصی نداده است،اما می‌توان به راحتی به این مهم پی برد که وزارت نفت در رأس این چالش قرار دارد،وزار تخانه‌ای که به هیچ‌عنوان راضی به کوچک شدنش نیست و مقاومت می‌کند،مقاومتی که بی‌ارتباط به روحیه کاری بیژن نامدارزنگنه نیست.

وزیر نفت تمایلی به کوچک‌تر شدن امپراتوری مدیریتی خود ندارد و با تمسک به مشکلات پیش آمده برای صنعت پتروشیمی طی واگذاری‌های چند سال گذشته از اصلاح ساختار و استمهال واگذاری‌ها سخنی می‌گوید و معتقد است شرایط برای واگذاری‌ها مهیا نیست. کسانی که با تفکر حاکم به وزارت نفت آشنایی دارند به خوبی می‌دانند که تفکر چپ در این نهاد باز هم سایه افکنده است و همه راه‌ها به باقی ماندن کاندیداهای واگذاری در داخل نفت ختم می‌شود.

در اواخر کار دولت اصلاحات وزیر وقت نفت تعداد بسیاری از شرکت‌های نفتی را ماندن نیکو، کالای نفت، مهندسی و توسعه نفت، پتروپارس، پترو ایران و… در داخل لیست واگذاری‌ها قرار داد و وزارت نفت را تحویل داد. در دوره گذشته بسیاری از شرکت‌های نفتی واگذار شدند،شرکت‌هایی مانند پتروپارس که با وجود واگذاری اما همچنان زیر نظر وزارت نفت فعالیت می‌کردند و مدیرعامل آن به صورت غیر مستقیم توسط وزیر نفت تعیین می‌شود.

هم‌اکنون بیشتر شرکت‌های واگذار شده به نهادهای شبه‌دولتی محل قدرت‌نمایی مدیران نفت است و براساس سلاقی مدیران نفت احکام برکناری و انتصاب صادر می‌شود.

بسیاری از شرکت‌های نفتی مانند شرکت ملی حفاری در حالی در لیست واگذاری و سازمان خصوصی‌سازی قرار دارند که در واقع زیر نظر وزارت نفت به گذر ایام مشغول هستند.

بر حسب سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و قوانین زیرمجموعه آن، هر شرکتی که در فهرست خصوصی‌سازی قرار می‌گیرد، عملاً تحت اختیار و اداره وزارت اقتصاد قرار می‌گیرد تا در موعد مقرر واگذار شود. فی‌الحال بسیاری از شرکت‌های نفتی در چنین وضعیتی به سر می‌برند که محاسن فراوانی برای وزارت نفت دارد.

این شرکت‌ها از قوانین، دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های مقرراتی شرکت ملی نفت منفک شده و طبق قوانین وزارت اقتصاد به فعالیت مشغول هستند که یک امتیاز مثبت برای این شرکت‌ها محسوب می‌شود زیرا قوانین شرکت ملی نفت به شدت دست و پاگیر و آزاردهنده است و دیگر خبری از تحقیق و تفحص و پاسخگویی و حسابرسی‌های سخت و سخت‌گیر نیست.

با توجه به استمهال خصوصی‌سازی این شرکت‌های نفتی مشمول واگذاری و دلایل و بهانه‌هایی چون دستکاری اساننامه، زاینده بودن و اصلاح ساختار مدت‌هاست که واگذاریشان با استمهال مکرر همراه شده است و در حقیقت نفت‌ها توانسته‌اند با اخذ زمان از وزارت اقتصاد، شرکت‌ها را از واگذاری واقعی رهایی بخشند، این در حالی است طی سال‌های گذشته کمتر شرکت نفتی به بخش خصوصی حقیقی واگذار شده و در این بین اگر واگذاروی هم انجام شده، این واگذاری به بخش‌هایی بوده است که نهایتاً تحت فرمان و حاکمیت مطلق مدیران دولتی وزارت نفت قرار داشته‌اند.

در این بین در نقشه‌ای پیچیده و عجیب‌تر وزارت نفت و شخص وزیر نفت، صورت شرکت نفتی مشمول واگذاری را از بین برده وظایف آن را به یکی از ادار کل‌های وزارتخانه محول می‌کنند، به عبارتی در جریان استمهال‌هایی که وزیر نفت از وزارت اقتصاد دریافت می‌کند، بلایی بر سر شرکت نفتی مشمول واگذاری می‌آورد که وزارت اقتصاد دیگر شرکت مشمول واگذاری را قابل واگذاری نمی‌بیند و با انحلال شرکت خصوصی‌سازی موقت می‌کند.

در این سوی داستان، باید عنوان داشت که تنها نام شرکت نفتی قابل واگذاری از اقتصاد ایران محو شده است زیرا با انحلال شرکت‌های نفتی قابل واگذاری، وزارت نفت وظایف آنها را تبدیل به یک اداره کل کرده و مدیران فعلی آن‌ها نیز تحت فرمان و در اختیار آن اداره است.

به بیان ساده‌تر با انحلال چنین شرکت‌هایی همه دارایی‌ها وظایف این شرکت‌ها در قبال یک اداره به یک شرکت دولتی مستثنی از اصل ۴۴ منتقل شده و به همین راحتی همه چیز در سیطره وزارت نفت قرار می‌گیرد.

در آخرین اقدام در این باره، سه شرکت پیراحفاری ایران، خدمات ترابری و پشتیبانی نفت و خدمات مهندسی و تجهیزات صنعتی توربین جنوب با مصوبه هیئت عالی واگذاری منحل شد که نماینده وزارت نفت نیز در آن حضور داشت.

سه شرکت یاد شده از جمله شرکت‌هایی هستند که از دارایی‌های گرانقیمتی برخوردار بوده و با توجه به نیاز مبرم صنعت نفت به آنها بهترین گزینه‌ها برای واگذاری بودند اما وزارت نفت و وزارت اقتصاد در یک تصمیم هماهنگ و دارای پشتوانه تصمیم به حذف آن از فهرست خصوصی‌سازی و انحلال دادند.

حال پرسش اصلی از وزیر اقتصاد این است که اگر چنین مقاومتی در بدنه دولت دیده شده است چرا وزارت اقتصاد، شورای عالی واگذاری و سازمان خصوصی‌سازی در دست بر خلاف سیاست‌های اصل ۴۴ و همسو با منویات وزار تخانه‌ها ای دولتی تصمیم گرفته و رأی به انحلال شرکت‌هایی می‌دهد که پیش از این سودده بوده و مشکلی برای واگذاری آنها وجود نداشته است اما بعد از آنکه این شرکت‌ها واگذاری‌هایشان به تأخیرهای مختلف با تأخیر همراه می‌شود شرکت دیگر جزاین و دورنگستگنجی چیزی به خود نمی‌بینند؟

در این بین، شرکت کالای نفت ایران یکی از همین شرکت‌های سوددهی است که وزارت نفت و شخص وزیر در یک‌قاب‌بندی حکم به انحلال چنین شرکت سودده و مهمی در حوزه نفت ایران داده است. شرکت کالای نفت ایران به عنوان تأمین‌کننده اصلی کالاهای مورد نیاز در مرحله نخست منحل شد. آگاهان به این نکته واقف هستند که ۷۰ درصد منابع مالی یک پروژه نفتی به بخش کالا اختصاص می‌یابد که نشان‌دهنده اهمیت این شرکت است ولی با یک تصمیم زیر‌کانه این شرکت منحل شده تا همچنان «گوشت‌لخم» در ساختار رانت‌خوار و فسادزا باقی بماند.

دربارہ سه شرکتی که در فوق به آن اشاره شد نیز وضعیت به همین منوال است و سه شرکت فوق از چنان جذابیتی مالی و سوددهی برخوردار هستند که انحلال آنها در راستای اهداف انحلال شرکت کالای نفت است.

هرچند امروز دیگر به لطف وزارت اقتصاد به عنوان بخشی که وظیفه واگذاری شرکت‌های مشمول اصل ۴۴ را بر عهده دارد،دیگر شرکت‌های نفتی مشمول واگذاری که عنوان شد، وجود خارجی ندارند و نام این شرکت‌های سودده از صفحه شرکت‌های پیشتاز در بخش انرژی کشور حذف شده اما متأسفانه پول، رابطه، عدم شفافیت و… وجود دارد.

وزیر اقتصاد در ست می‌گوید، مقاومت دولتی‌ها در برابر خصوصی‌سازی همه را مستأصل کرده است، اما امتی‌طیبنیا هم که نقش پررنگی در اعطای آوانس‌های شیرین به نفتی‌ها دارد، یک مدیر دولتی به شمار می‌رود، بدین ترتیب اگر امروز شاهد انحراف خصوصی‌سازی در کشور هستیم و مجری دولتی خصوصی‌سازی با مدیران دولتی شرکت مشمول واگذاری می‌شانت است، اما امتی‌طیبنیا هم که نقش پررنگی در شرکت‌ها(نحلال) باطن شرکت‌ها(وظایف و تصدی‌گری‌ها) همچنان در اختیار دولتی‌ها بماند، اشکال از بخش دولتی و خود وزارت اقتصاد به عنوان خصوصی‌سازی در کشور است و بس.



گزارش یک هادی غلامحسینی



روزنامه جوان | شماره ۷۷۷۲ | |دوشنبه ۲۴ اسفند ۱۳۹۴ | ۴ جمادی‌الثانی ۱۴۳۲ | سرویس اقتصادی ۸۸۶۹۸۴۳۴

بررسی بهای جهانی کالاهای وارداتی در جهان و ایران

دولت مانع انتقال ارزانی غذا به ایران می‌شود!

سقوط آزاد بهای جهانی گوشت، لبنیات، غلات، روغن و چربی‌ها و شکر طی ۳ سال اخیر

| جدول قیمت جهانی محصولات غذایی در بازه زمانی ۲۰۱۲- ۲۰۱۶ | | | | | | |
|--|-------------------------------|-------------------|--------------------|----------------------|-----------------------------|--------------------|
| | Food Price Index ^۱ | Meat ^۲ | Dairy ^۳ | Cereals ^۴ | Vegetable Oils ^۵ | Sugar ^۶ |
| | شاخص مواد غذایی | گوشت | لبنیات | غلات | روغن و چربی‌ها | شکر |
| | 209.8 | 184.1 | 242.7 | 219.3 | 193.0 | 251.0 |
| 2013 | 201.8 | 198.3 | 224.1 | 191.9 | 181.1 | 241.2 |
| 2014 | 164.0 | 168.1 | 160.3 | 162.4 | 147.0 | 190.7 |
| 2015 | 175.8 | 176.9 | 181.8 | 171.7 | 156.6 | 207.1 |
| February | 171.5 | 170.4 | 184.9 | 169.8 | 151.7 | 187.9 |
| March | 168.4 | 170.8 | 172.4 | 167.2 | 150.2 | 185.5 |
| April | 167.2 | 172.6 | 167.5 | 160.8 | 154.1 | 189.3 |
| May | 164.9 | 169.5 | 160.5 | 163.2 | 156.2 | 176.8 |
| June | 164.2 | 172.7 | 149.1 | 166.5 | 147.6 | 181.2 |
| July | 155.0 | 170.8 | 135.5 | 155.1 | 134.9 | 162.3 |
| August | 155.3 | 167.6 | 142.3 | 154.8 | 134.2 | 168.4 |
| September | 158.2 | 158.0 | 155.6 | 157.3 | 142.6 | 197.4 |
| October | 155.2 | 154.6 | 151.1 | 153.6 | 138.2 | 206.5 |
| November | 153.4 | 150.0 | 149.5 | 151.6 | 141.5 | 207.8 |
| December | 150.0 | 147.2 | 145.1 | 149.1 | 139.1 | 199.4 |
| 2016 | 150.2 | 148.2 | 142.0 | 148.3 | 150.3 | 187.1 |
| January | | | | | | |
| February | | | | | | |

شاخص جهانی بهای گوشت، لبنیات، غلات، روغن و چربی و شکر طی بازه زمانی

۲۰۱۲-۲۰۱۳ فوریه ۲۰۱۶ به ترتیب با ۱۰۰، ۱۰۰، ۶۴ و ۴۳ واحد افت در اعداد ۱۴۸، ۱۴۲، ۱۴۸، ۱۵۰ واحد و ۱۸۷ واحد جا خوش کردند، در این بین شاخص جهانی مواد غذایی که معدل بهای اقلام فوق است در مدت یاد شده با ریزش تقریبی ۳۰ درصد از ۲۰۹ واحد به ۱۵۰ واحد نزول کرده است.

به گزارش «جوان»، شاخص قیمت جهانی مواد غذایی سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (FAO) (معدل تغییرات قیمت شاخص گروه به نام‌های غلات، روغن و چربی‌ها، شکر، گوشت و لبنیات) در ماه فوریه ۲۰۱۶ به ۱۵۰/۴ واحد رسید، این در حالی است که این شاخص در مقایسه با ماه مشابه سال قبل (فوریه ۲۰۱۵) تقریباً با ریزش ۱۵ درصدی و در مقایسه با سال ۲۰۱۳ (زمانی که دولت روحانی در ایران به سر کار آمد) با ریزش ۳۰ درصدی مواجه شده است.

افت ۳۰ درصد بهای جهانی مواد غذایی طی مدت زمانی که حسن روحانی زمام دولت را در دست داشته است، در شرایطی اتفاق افتاده است که اقلام کلیدی در اختیار آن اداره است. در این میان، وزارت نفت تنها کاهش بها نداشته

است و دولت یازدهم تنها کاهش بها نداشته

است بلکه شاخص قیمت مواد غذایی در ایران دست‌کم با رشد ۳۰ درصدی در دولت یازدهم مواجه شده است.

روند معکوس قیمت کالا در جهان و ایران
به عبارتی در حالی که مصاد غذایی در دنیا در طول آغاز به کار دولت یازدهم ۳۰ درصد ارزان شده است، در ایران با وجودی‌که این اقلام وارداتی هستند ۳۰ درصد هم گران‌تر شده‌اند. متأسفانه در ایران، شاخص قیمت مواد غذایی طبق آمار رسمی بانک مرکزی در دولت یازدهم از محدوده ۱۸۰ واحد به محدوده ۲۴۰ واحد رشد کرده است که گویای عدم تناسب قیمت جهانی کالاهای وارداتی در بازارهای جهانی و بازار ایران است.

شاخص قیمت جهانی پنج زیر مجموعه مواد غذایی شامل غلات، روغن و چربی‌ها، شکر، گوشت و لبنیات در شرایطی در سال‌های تصدیگری دولت تدبیر و امید روند نزولی بسیار قابل ملاحظه‌ای داشته است که در ایران به‌رغم افت جهانی قیمت کالاهای فوق، بهای این کالاها پیوسته با افزایش مواجه شده‌اند، این در حالی است که کالاهای مذکور عمدتاً در صدر لیست کالاهای وارداتی به ایران قرار داشته است، بدین ترتیب حسن روحانی به همراه سایر اعضای کابینه باید در رابطه با «محروریت مردم ایران از

کشور که در صدر آنها اقلام غذایی قرار دارند.

محصولات کشاورزی ۵ کالای عمده وارداتی

ذرت دامی، گندم، لوبیای سویا، برنج و کنجاله سویا، پنج کالای عمده وارداتی به کشوروند و متوسط قیمت هر تن کالای وارداتی حدود سه برابر کالاهای صادراتی کشورمان است.

طبق آمار اعلام شده از سوی گمرک جمهوری اسلامی ایران، گندم، لوبیاسویا، برنج، کنجاله سویا بیشترین سهم اقلام عمده وارداتی طی هفت ماه سال ۱۳۹۴ را به خود اختصاص داده‌اند. واردات ذرت دامی به ارزش ۸۱۳ میلیون دلار، گندم ۵۱۲ میلیون دلار، لوبیای سویا ۵۰۲ میلیون دلار، برنج به ارزش ۴۴۲ میلیون دلار و کنجاله سویا به ارزش ۴۴۲ میلیون دلار بیشترین حجم واردات را به خود اختصاص داده‌اند.

طبق گزارش تجارت خارجی غیرنفتی از سوی گمرک جمهوری اسلامی ایران، واردات کشور طی هفت ماه گذشته سال ۹۴ در مقایسه با مدت مشابه سال قبل از لحاظ ارزشی، ۲۱ درصد و از نظر وزنی ۱۱ درصد کاهش داشته است.

دلیل افت جهانی بهای مواد غذایی

افت قیمت جهانی نفت از ۱۰۰ دلار به محدوده ۵۰ دلار)، مازاد عرضه به بازار و افزایش

ارزش دلار از جمله مهم‌ترین دلایل افت جهانی بهای کالا به شمار می‌رود، در این بین درحالی که امید می‌رفت طبق وعده‌های دولت حسن روحانی وضعیت تجارت خارجی و هزینه‌های این بخش با گفت‌وگوهای برجام بهبود یابد، گویا سودجویی‌های عده‌ای مانع از بهبود این بخش شده است.

دولت توضیح دهد

با توجه به اینکه بخش قابل توجهی از مواد غذایی از قبیل روغن، غلات، شکر و نهاده‌های دامی به منظور تأمین امنیت در کشور از طریق واردات تأمین می‌شوند این اقلام در سطح جهانی با کاهش مواجه بوده است افزایش قیمت مواد غذایی در داخل کشور نشان‌دهنده عدم تبعیت قیمت‌های داخلی مواد غذاییی وارداتی از قیمت‌های جهانی است.

در این بین شاخص بهای روغن و چربی که در سال ۲۰۱۳ با ۱۹۲ قرار داشت در پایان فوریه ۲۰۱۶ با ۴۳ واحد ریزش به ۱۵۰ واحد نزول کرده است. شاخص بهای قند و شکر نیز در سال ۲۰۱۳ در محدوده ۲۵۱ قرار داشت در پایان فوریه ۲۰۱۶ با ۶۴ واحد ریزش به ۱۸۷ واحد نزول کرده است.

دلیل افت ارزش واردات به ایران است
همچنین آمارهای گمرک نیز همگی از افت ارزش واردات به ایران خبر داده است که دلیل نشده‌اند و مردم به جای ارزانی با افزایش بهای این کالاها مواجه شده‌اند.

نبود برنامه برای اجرای اقتصاد مقاومتی

عبده‌تیریزی: دولت یازدهم در حوزه بانک‌ها کم‌کاری کرده است

به سمت تولید نرود و وارد بازارهای غیرمولد نشود، آسیب شدید به اقتصاد می‌زند. حسین عبده‌تیریزی دیگر کارشناس اقتصادی در این برنامه گفت: اینکه نظام بانکداری ما مشکلات عدیده‌ای دارد و اشکالات عمده‌ای در ۱۰ سال گذشته برای آن ایجادشده موضوع دیگری است.

وی افزود: مسئله اساسی این است که وقتی دولت یازدهم با مشکلات عمده به جامانده از دولت قبلی سر کار می‌آید و می‌خواهد کشور را اداره کند، دیگر کاری به تنوری بازی ندارد و مجبور است کارهای اجرائی و عملی بکند و تعهد دارد که در چارچوب اقتصاد مقاومتی عمل کند.

عبده‌تیریزی در خصوص نقدینگی نیز گفت: نقدینگی در عهده‌هاست اگر چه دولت در حوزه بانک‌ها کم‌کاری کرده است یا اینکه درباره کاهش سود بانکی اقدامی نکرده است، نرخ ۴۰ درصد سود بانکی را تحویل گرفت و آن را به زیر ۱۰ درصد رساند. وی افزود: دولت تلاش کرده است نظام بانکی از هم گسیخته را که تحویل گرفته است، کنترل کند.

این کارشناس گفت: درباره اقتصاد مردمی نیز باید گفت که هدف از واگذاری‌ها رسیدن به نتیجه است و چنانچه شتاب‌زده باشد مانند واگذاری‌های دولت قبلی خواهد شد که فقط سه تا ۱۲ درصد از آن واگذار می‌شود. هدف خصوصی مردم است، پس باید دنبال محتوا باشیم.

عبده‌تیریزی افزود: اشکالات اقتصاد ایران بسیار زیاد است و طبیعی است که در شرایط فعلی حضور مردم در اقتصاد آن‌طور که باید باشد نیست.

یادداشت‌واره

محسن یزدی

تعارض سخنان سیف با بانک مرکزی مدرن

سیف، رئیس بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران چندی پیش در همایشی که به همت یکی از روزنامه‌های اقتصادی بر گزار شد، مطالبی را بیان کرد که در نوع خود شایسته توجه ویژه است. این یادداشت نگاهی خواهد داشت به موضوعات مطرح شده در سخنرانی وی که در سایت بانک مرکزی نیز انتشار یافته است. رئیس محترم بانک مرکزی در پاره‌ای از نکاتی که بیان کرده‌اند یا دچار اشتباه شده‌اند یا اینکه توجهی به عواقب استدلال‌های خود نداشته‌اند. محور سخنان رئیس کل محترم را می‌شود در سه حوزه زیر نقد کرد:

۱- تضییات پولی بانک مرکزی موجب کاهش نرخ تورم، ثبات بازار ارز، افزایش سهم پول درون‌زا در رشد نقدینگی و کاهش نرخ سود بانکی شده است.

۲- از ظرفیت سیاست پولی استفاده شده است و اینک باید سراغ استفاده مناسب از سیاست مالی شد چرخه اقتصادی رفت.

۳- دولت باید بدهی‌های خود را به شبکه بانکی پرداخت کند که هزینه خروج از تنگنای اعتباری و ایجاد ابرای برای اعمال غیرمستقیم سیاست پولی فراهم شود. در مورد نکته اول، رئیس کل محترم و اعضای محترم تیم وی کلاً آگاه هستند که تقریباً همواره خالص بدهی‌های خارجی عامل اصلی افزایش پایه پولی بوده است. نگاهی به ترازنامه بانک مرکزی در ۱۰ سال اخیر، به جز دوره تحریم که سطح حدوداً ثابت بوده، به خوبی نشان می‌دهد که با خالص دارایی خارجی همواره افزایش یافته است و به صورت تدریجی، تر، این دولت‌ها بوده‌اند که با مصرف منابع خود در بانک مرکزی با مصرف آنها حجم نهایی پول پایه را تعیین کرده‌اند. به صورت دیگر دولت‌ها در ایران به دلیل عدم کارآمدی بانک مرکزی در ختنی‌سازی اثر خالص دارایی‌های بانک مرکزی، عمدتاً در نتیجه افزایش اثر امددهای نفتی، به کمک بانک مرکزی آمده و نسبت به هزینه کرد کمتر خود اقدام کرده‌اند تا حجم پول پایه را کمتر کرده و به عدم افزایش قیمت‌ها کمک کنند، البته در دوره‌هایی نیز به مانند دولت گذشته در دوره تحریم، دولت از منابع خود در بانک مرکزی استفاده کرده و بدین ترتیب به به عوض ختنی‌سازی به از دیباذ حجم پایه پولی کمک کرده است که نهایتاً منجر به تورم بسیار بالا شده است. به طور حتم رئیس کل توجه دارد که در ۱۰ در سال اخیر دوره تحریم تنها زمانی بوده است که سهم خالص بدهی دولت در افزایش رشد پایه پولی مثبت شده است که پیوندهی نظیبری بوده است. با این مقدمه وی به این نکته واقف است که عملاً در دولت جدید، در واقع این دولت بوده است که به دلیل عدم دسترسی به منابع خارجی بر سپرده‌های خود در بانک مرکزی به شدت افزوده است و به این ترتیب و با عدم هزینه کرد داین منابع، منجر به ختنی شدن اثر افزایش خالص دارایی‌ها روی پایه پولی و نهایتاً کاهش تورم شده است.

نکته دوم، بسیار شایسته تقدیر است که رئیس کل محترم به چرخه‌های اقتصادی اشاره کرده‌اند، هر چند تخمین چرخه‌های اقتصادی عمدتاً براساس آمارهای فصلی آمکیناپدر بر است و معمولاً توسط بانک‌های مرکزی انجام می‌شود، متأسفانه نگارنده دسترسی به این آمار ندارد و نمی‌تواند در مورد وضعیت چرخه اقتصادی قضاوت کند و چنان‌بر رئیس کل نیز نوری بر تاریکی در این مورد نینکند،دان ولی به احتمال بسیار زیاد می‌توان حدس زد که وی وضعیت چرخه اقتصادی را منفی می‌بیند، بدین ترتیب که تولید ناخالص داخلی کمتر از توان بالقوه اقتصاد است. اگر این برداشت درست باشد، عموماً سیاست‌گذاران به دنبال سیاست‌های انبساطی می‌روند تا تولید ناخالصی اقتصاد را افزایش دهند، تنها نکته‌ای که سیف و تیم وی غفلت کرده‌اند، این است که در وضعیت چرخه منفی، در واقع به دلیل کمبود تقاضای کل سیاست‌های انبساطی منجر به تورم نخواهند شد و دقیقاً به همین دلیل است که تخمین درست چرخه اهمیت پیدا می‌کند.

بدیهی‌است، با قبول استدلال رئیس کل باید سیاست‌های پولی و مالی انبساطی شوند، بدین‌ا، تقاضای تولید متأسفانه نتوانست حمله مهمی‌اینکه ظرفیت سیاست پولی تمام شده است را در یابد. چگونگی می‌توان تصور کرد که در زمان رکود شدید اقتصادی و کمبود تقاضا و کاهش قیمت‌ها و چرخه منفی اقتصاد، ظرفیتی برای استفاده از سیاست پولی وجود نداشته باشد؟ اما در ادامه رئیس کل بیان کرده‌اند که سیاست‌های مالی مخالف چرخه را باید دولت برای خروج از رکود در پیش گیرد، این سیاستی درست است اما هزینه این انبساط به چه شکلی تأمین خواهد شد، حتماً وی منظورش کاهش مالیات با افزایش پرداخت‌های انتقالی دولت یا پاره‌ها نیست، زیرا دولت همچنان باید به افزایش اثر امددهای مالیاتی برای مقاوم‌سازی اقتصاد ادامه دهد و قطعاً باید حجم پاره‌ها را نیز کاهش دهد. به این ترتیب تنها دو راه باقی می‌ماند، در راهکار اول، دولت از منابع خود در بانک مرکزی استفاده می‌کند که منجر به افزایش پایه پولی خواهد شد یا اینکه به استقراض دست خواهد زد. با توجه به نکته سوم، به نظر می‌رسد، منظور وی راهکار آخر است اما با فرض چنین اقدامی دولت با استقراض از مردم در واقع انقباض پولی را در قدم اول ایجاد خواهد کرد و سپس زمانی که دولت به هزینه‌کرد این منابع اقدام می‌کند، انبساط مالی ایجاد خواهد شد. توجه دارد بد که این امر لزوماً به افزایش تقاضای کل نخواهد انجامید بلکه نوع تقاضای کل را تغییر خواهد داد. اما نکته‌ای که وی اشاره کرده آن است که در مواقع رکود شدید، اوراق قرضه منتشر شده دولت توسط بانک مرکزی خریداری می‌شود که به صورت واقعی تقاضای کل افزایش یابد و تقاضای بخش خصوصی تحت تأثیر قرار نگیرد، کاری که در دوره اخیر در امریکا، اروپا و ژاپن انجام گرفته است، وی ممکن است متعزز شود که این روش حجم پول را افزایش داده است و تورم ایجاد خواهد کرد. در اینجاست که به نکته اصلی بحث می‌رسیم، دقیقاً وظیفه بانک مرکزی کنترل تورم با ابزارهایی است که در اختیار دارد، البته رئیس کل به خوبی آگاه هستند که مشکل اساسی سیاست پولی نبودن ابزار اعمال سیاست پولی است. پس شایسته است، بانک مرکزی، به عوض ملامت کردن دولت و پاس دادن توپ به سمت سیاست مالی، گام‌های اساسی و مؤثر برای ابزارسازی سیاست پولی بردارد. آقای رئیس کل باید توجه داشته باشند که برای همیشه نمی‌توان به کنترل مقداری پول جهت کنترل تورم تکیه کرد بلکه باید به سمت کنترل قیمت پول و رها کردن کنترل مقداری پول آورد و بانک مرکزی راه بی یک بانک مرکزی مدرن تبدیل کرد. امید نگارنده آن است که وی در مدت باقی مانده از ریاست خود، حتماً به این مهم همت گمارند.
پایخ نشریحی به نکته آخر را به‌وقت دیگری می‌گذاریم، اما لازم است یادآوری شود که تبدیل بدهی‌های دولت به اوراق پنهادر حیج تعین مستنداری در رفع تنگنای اعتباری نخواهد داشت و در صورت عدم‌براری بانک مرکزی در خرید و نه ضمانت‌پذیری این اوراق، تنها بانک‌ها از این محل منتفع خواهند شد و مردم تغییری را در وضعیت وام‌دهی بانک‌ها نخواهند دید.

توبت دوم

اصلاحیه اسناد مناقصه اجرای بخشی از شبکه آب ابهر

به شماره مناقصه ۹۶-۹۴

پیرو آگهی‌های درج شده در روزنامه جوان مورخه‌های ۹۴/۱۲/۰۴ و ۹۴/۱۲/۰۶ و روزنامه همشهری زنجان به مورخه‌های ۹۴/۱۲/۰۴ و ۹۴/۱۲/۰۸ به استناد بند ۴ کلیات و شرایط مناقصه، به اطلاع کلیه پیمانکاران حائز شرایط که قصد شرکت در مناقصه اجرای بخشی از شبکه آب ابهر به شماره مناقصه ۹۶-۹۴ را دارند می‌رساند آنالیز و برآورد این مناقصه، به مبلغ ۳/۴۲۶/۵۸۵/۰۸۵ (سه میلیارد و چهارصد و بیست و شش میلیون و پانصد و هشتاد و پنج هزار و پنج ریال) اصلاح گردیده و از سایت <http://znabfa.ir> قابل دریافت می‌باشد لذا کلیه مناقصه‌گران می‌بایست نسبت به دالود برآورد و آنالیز اصلاح شده اقدام و پس از بررسی‌های لازم نسبت به ارائه پیشنهاد اقدام نمایند. بدیهی است موارد اصلاح شده جزئی از اسناد مناقصه می‌باشد و مناقصه گران موظفند پس از رؤیت و مهر و امضا به همراه سایر مدارک در پاکت (ب) ارائه نمایند.

ضمناً مهلت ارائه پیشنهادات تا ساعت ۱۶ مورخه ۱۸ فروردین ماه سال ۹۵ تمدید و زمان بازگشایی پاکات به ساعت ۱۵ مورخه ۲۱ فروردین ماه سال ۹۵ موکول می‌گردد و هزینه آگهی‌ها متعاقباً اصلاح و از طریق سایت فوق اعلام و بعدده برنده مناقصه خواهد بود.



شرکت آب و فاضلاب استان زنجان